

اقتصاد مقاومتی، بستر ساز عدالت اجتماعی

دکتر حسنعلی آقاجانی، عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، aghajani@umz.ac.ir

سیمین طلائیان، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه مازندران، s.tollabian@gmail.com

چکیده:

مفهوم عدالت و موضوعاتی که به این مقوله نزدیک است در همه دوره های زمانی یکی از موضوعات مهم مدنظر سیاست گذاران حکومتی بوده است و از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون تمام دولت های پس از انقلاب با هر زمینه فکری و سیاسی بر تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی تاکید ویژه داشته اند و برای نیل به این مهم هزینه های گزافی را متحمل شده اند. فلسفه وجودی پیدایش چنین مفهومی، بهم خوردن توازن اجتماع بخاطر منفعت طلبی عده معدودی از انسانها بوده است که مصلحین را بر آن داشته است تا برای رفع آن به دنبال راه حلهایی باشند که تحقق عدالت یکی از آنهاست. چند سالی است که رهبر معظم انقلاب رویکرد کلان کشور را حرکت در مسیر پیشرفت و عدالت عنوان کرده اند. پیشرفت که می توان آن را نسخه ی اصلاح شده ی توسعه با حفظ ارزش ها و مطلوبیت های فرهنگی این ملت دانست، فرایندی است که در آن جامعه از یک دوره ی تاریخی به دوره ی جدیدی منتقل می شود و در هر مرحله از رشد خویش، ابعاد مختلف زندگی را متحول می سازد. در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم های یک جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه های صلح آمیز هسته ای ایران، واژه ی جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است. نویسندگان در این مقاله با توجه به تاکید مقام معظم رهبری بر تحقق اقتصاد مقاومتی، به دنبال تبیین نقش آن در برقراری عدالت اجتماعی هستند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، عدالت، عدالت اجتماعی

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مقدمه

از ویژگی های اساسی مدیریت اقتصادی موفق، داشتن الگوست. در ایران ما مسئله فقدان الگوی مشخص برای مدیریت اقتصاد، به ویژه در برخورد با شرایط چالش و بحران، به سادگی قابل درک است. در وضعیت حاضر که با چالش مهم تحریم همه جانبه غرب مواجه هستیم، با وجود همه تلاش های غیر قابل انکار انجام شده برای مواجهه با اقدامات دشمنان، فقدان الگویی راهبردی برای مدیریت اقتصادی احساس می شود تا بسیاری از مسائل را از چالش خارج کند یا چالش ها فرصت اثرگذاری منفی بر اهداف را پیدا نکنند. آنچه به روشنی در واقعیت اقتصاد ایران دیده می شود آن است که سیاست های پولی، مالی، ارزی، بانکی، اشتغال و تولید بدون ارتباط منسجم و تعریف شده و بعضا به صورتی کاملا اقتضایی و موردی، آن هم پس از گسترش دامنه چالش ها، به کار بسته می شوند و از آنجا که ارتباط سیستمی مشخصی میان آنها برقرار نیست، در بسیاری موارد یکدیگر را خنثی می کنند و در نتیجه کارایی لازم را ندارند. نتیجه اجرای این سیاست های انفعالی از قبل معلوم و کاملا متفاوت با شرایط مورد انتظاری است که با به کارگیری الگوی مشخص در مدیریت کلان اقتصادی، فعالیت واحدهای اقتصادی در سطح خرد و میانی هماهنگ می شود و متغیرهای کلان اقتصادی در راستای مقاصد مربوط تنظیم و همه پتانسیل ها برای اهداف نهایی پیشرفت و عدالت به کار گرفته می شوند (سیف، ۱۳۹۱).

در حال حاضر با اینکه مقام معظم رهبری اوضاع کنونی را به گردنه ای که از آن عبور خواهیم کرد تشبیه فرمودند، اما بر داشتن اقتصاد مقاومتی تاکید و اصرار دارند. این مسئله نشان می دهد که مدیریت اقتصادی باید سنجیده عمل کند و به ویژه چالش تحریم را به عنوان واقعیتی جدی که در تمام سال های پس از انقلاب وجود داشته است در برنامه ریزی اقتصادی وارد سازد. نکته مهم دیگر اینکه در شرایط وجود چالش ها، چنانچه الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فعال سازی ظرفیت های داخلی شکل گیرد، بهترین سکوی پرتاب برای شرایط پس از چالش خواهد بود؛ به گونه ای که با رفع چالش ها، ظرفیت اقتصاد به صورتی کامل تر آزاد و موجب شتاب پیشرفت خواهد شد. اگر اقتصاد کشور نتواند عدالت را برقرار کند و به طبقه مستضعف توجه نکند و رفاه اجتماعی را مد نظر نظر قرار ندهد اقتصاد مقاومتی در جامعه شکل نمی گیرد. در حقیقت باید گفت که اقتصاد مقاومتی به دنبال تقویت اقتصاد دولتی نیست؛ بلکه به دنبال تقویت اقتصادی است که با محوریت مردم منجر به تقویت عدالت اجتماعی در جامعه شود. عدالت اجتماعی یکی از شاخص هایی است که می توان مشروعیت یک نظام را با آن سنجید و توجه به مردم، عدم تبعیض و رفتار مناسب نسبت به آنان نیز از شاخص هایی است که می توان با آن عدالت اجتماعی را در زمانی خاص محک زد.

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بهائش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

هدف این مقاله تبیین نگرشی بر نقش اقتصاد مقاومتی در برقراری عدالت اجتماعی است که زمینه را برای قدم گذاشتن کشور در مسیر پیشرفت و توسعه کشور فراهم می کند.

اقتصاد مقاومتی

مدتی است که نظریه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است. پرداختن به این موضوع به دلایل گوناگون، مهم و ضروری است. از یک طرف، دشمنان ملت ایران تلاش دارند تا نسبت به درهم ریختگی اقتصاد ایران اقدام کنند و از ناحیه اقتصاد، ضرباتی را به ملت ایران اسلامی وارد کنند و از طرف دیگر مقاومت در اقتصاد، نسخه ای کارساز برای عبور از این مرحله است. از سویی دیگر موضوع اقتصاد مقاومتی موضوعی بسیار بدیع و جدید و بکر است و تجربه منتشر شده مکتوبی در مورد آن وجود ندارد و قاعدتا باید جوانب آن بررسی و مورد توجه قرار گیرد. از منظری دیگر برای کشور جمهوری اسلامی ایران که مصمم است اقتصاد تک محصولی و مبتنی بر درآمد نفت را متحول نموده و به سمت عدم وابستگی به نفت حرکت کند، موضوع اقتصاد مقاومتی یک راهکار و نقشه راه سازنده است (پیغامی، ۱۳۹۱) برای مفهوم اقتصاد مقاومتی، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه ای به این موضوع نگاه کرده اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند:

« اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تعیین کننده ی رشد و شکوفایی کشور باشد. » (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱)

ارکان اقتصاد مقاومتی

الف: مقاوم بودن اقتصاد: طبق بیانات رهبر معظم انقلاب وظیفه ی همه ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضانات «اقتصاد مقاومتی» است. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.

ب: استفاده از همه ی ظرفیتهای دولتی و مردمی: دولت باید حمایت کافی از بخش خصوصی به عمل آورد. برای انجام این کار سیاستهای اصل ۴۴ باید با تاکید، اهتمام، دقت و وسواس هر چه بیشتر دنبال شود. همچنین جهت توانبخشی بخش

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

خصوصی (بخش مردمی)، می توان از طریق بانکها و قوانین و مقررات لازم عمل کرد تا این بخش را فعال نمود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲/۶/۱۳۹۱).

ج: حمایت از تولید ملی: رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی یعنی صنعت و کشاورزی است؛ حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و باید به آن تکیه نمود. از جمله می توان واحدهای کوچک و متوسط را فعال کرد. البته خوشبختانه در کشور ما واحدهای بزرگ فعال هستند و از نظر اشتغال و سوددهی در وضعیت خوبی به سر می برند. لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک بود؛ زیرا این واحدها تاثیرات مستقیم بر زندگی افراد جامعه دارند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲/۶/۱۳۹۱).

د: مدیریت منابع ارزی: مسئلهی منابع ارزی هم مسئلهی مهمی است که با توجه به وضعیت اقتصادی ایران باید به دقت مدیریت شود و از این وضعیت آشفته خارج شود.

ه: مدیریت مصرف: مسئله بسیار مهم دیگر در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف باید مدیریت شود. اسراف و زیاده روی، قضیهی مهمی در کشور است. برای جلوگیری از اسراف و مدیریت مصرف در وهله ی اول نیاز به فرهنگ سازی می باشد. در این میان نقش رسانه ها بلاخص صدا و سیما بسیار جدی است. همچنین باید تلاش نمود اقلام مصرفی کشور از داخل تامین شود تا از تولید ملی حمایت شود (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱).

ابعاد اقتصاد مقاومتی

سازمان بسیج مستضعفان برای تبیین ابعاد و مولفه های اقتصاد مقاومتی، از تحلیل زنجیره نامگذاری سالها توسط مقام معظم رهبری در چند سال گذشته و با محوریت شعارهای اقتصادی استفاده کرده است (سازمان بسیج مستضعفان، ۱۳۹۱).

با نگاهی به عناوین این چند سال، «نوآوری و شکوفایی»، «اصلاح الگوی مصرف»، «همت مضاعف و کار مضاعف»، «جهاد اقتصادی»، «تولید داخلی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» و «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» به جنبه های مختلفی از اقتصاد مقاومتی دست می یابیم. به عبارت دیگر، شعار سال های اخیر هر یک به نوبه خود جنبه های مختلف اقتصاد مقاومتی را به همراه دارند (سازمان بسیج مستضعفان، ۱۳۹۱).

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۱. نوآوری و شکوفایی: نوآوری و شکوفایی به عنوان محرک رشد پایدار شناخته می شود. همچنین کمبود نوآوری یکی از عوامل اصلی پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه شناخته می شود. ایده اصلی نوآوری بر این نکته استوار است که نوآوری سبب افزایش توان تولید افراد و نهایتاً رشد اقتصادی می گردد (ربیعی، ۱۳۸۸).

۲. اصلاح الگوی مصرف: ابتدایی ترین و اصولی ترین مبانی علم اقتصاد «کمبود منابع» است. به عبارت دیگر، علم اقتصاد علم استفاده بهینه از امکانات و منابع محدود در راستای ارضای نیازهای نامحدود بشری است. به عبارت دیگر، علم اقتصاد علم استفاده بهینه از امکانات و منابع محدود در راستای ارضای نیازهای نامحدود بشری است. افزایش مصرف در جامعه باعث افزایش اسفاده استفاده از منابع محدود می گردد و در نتیجه، سرمایه گذاری را کاهش می دهد (سالواتوره، ۱۳۸۴).

بر همین اساس، اگر با منابع موجود الگوی مصرف جامعه اصلاح شود و در مصرف زیاده روی نشود، مقداری منبع که مورد استفاده قرار نگرفته اند باقی می ماند که می توان آنها را سرمایه گذاری کرد. در نتیجه، سرمایه گذاری افزایش می یابد و افزایش سرمایه گذاری به افزایش تولید می انجامد. طبق تعریف اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف از طریق افزایش سرمته گذاری باعث رشد و شکوفایی اقتصادی می گردد (محمدی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲).

۳. کار جهاد گونه: افزایش مهارت و بهره وری نیروی کار و استفاده بهینه از نیروی کار برای پیشبرد اهداف کشور به عنوان یک جنبه موثر از اقتصاد مقاومتی تعریف می گردد (محمدی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲).

۴. حمایت از تولید داخلی: یکی از مفاهیم اساسی در ادبیات اقتصادی این است که واردات یعنی ایجاد اشتغال برای نیروی کار خارجی و صادرات یعنی ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی. این سخن نیز همانند سه جنبه قبلی در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی قرار می گیرد، اما این جنبه از اقتصاد مقتومتی با سه جنبه قبل تفاوت های اساسی دارد (سالواتوره، ۱۳۸۴).

یکی از این تفاوت ها عبارت است از اینکه به صورت مستقیم بر رشد و شکوفایی تولید اثر دارد، نه به صورت غیر مستقیم و با واسطه. نکته دیگر اینکه با حمایت از تولید داخلی (مخصوصاً در مواردی که توانایی تولید کالا در داخل وجود دارد) وابستگی به دنیای خارج کاسته خواهد شد. با کاسته شدن وابستگی به دنیای خارج و به خصوص دنیای غرب که مجری فشار و تحریم بر کشورمان است، اثربخشی تحریم ها کاهش می یابد و در نتیجه، به رشد و شکوفایی اقتصادی می انجامد. البته مزایای بسیاری در حمایت از تولید داخلی نهفته است که از جمله آنها می توان به ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی، کمتر شدن فشار تورمی، توجه به برند داخلی در صنایع مختلف، تقویت بخش خصوصی، کاستن از بار مالی دولت، ارزآوری کالاهای غیر نفتی و

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

بسیاری موارد دیگر اشاره کرد. همه موارد فوق در راستای تعریف گفته شده از اقتصاد مقاومتی قرار می گیرند. در واقع «حمایت از تولید داخلی» به صورت مستقیم، یعنی فراهم نمودن زمینه رشد و شکوفایی برای اقتصاد، به اقتصاد مقاومتی کمک می کند (محمدی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲)

۵. حمایت از عوامل تولید داخلی: در اقتصاد عوامل تولید شامل نیروی انسانی، زمین، کار، سرمایه های فکری، سرمایه های انسانی، سرمایه های مادی و می باشد. افزایش حمایت از عوامل تولید نتایجی را به همراه خواهد داشت:

۱- چون این عوامل به صورت مستقیم در تولید نقش دارند، به افزایش تولید می انجامد؛

۲- حمایت از عوامل تولید به مانند سرمایه گذاری است و از این طریق نیز منجر به افزایش تولید می شود (محمدی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲).

مطالعات اقتصادی بیانگر این موضوع است که نرخ رشد بلند مدت اقتصادی با سطح درآمد اولیه کشور همبستگی بالایی ندارد و پایین بودن موجودی سرمایه فیزیکی تنها عامل رشد پایین اقتصادی کشورها نیست، بلکه برخی از عوامل باعث تسریع رشد اقتصادی می گردد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰).

در نتیجه، حمایت از عوامل تولید داخلی به رشد بلند مدت اقتصادی می انجامد و شکوفایی اقتصادی می انجامد و شکوفایی اقتصاد را در پی خواهد داشت. این مورد نیز در تعریف اقتصاد مقاومتی تبلور می یابد، چراکه فشارها و تحریم های خارجی تاثیر چندانی بر حمایت از عوامل تولید داخلی نخواهند داشت.

معنا و مفهوم عدالت

از عدالت تعاریف زیادی به عمل آمده است و در حوزه سیاست و اجتماع، مقوله عدالت و عدالت ورزی سنتی ترین گزاره ای است که همواره مطرح بوده است. در اندیشه سیاسی افلاطون، مدینه فاضله وقتی شکل می گیرد که حاکم مدینه استقرار عدالت را بهترین و بایسته ترین کار بداند و خود را وقف خدمت به عدالت کند تا جامعه بر اساس معیارها و ترازهای عدل سامان یابد. به باور ابن سینا، عدل اجتماعی، ارزش برین و هدف متعالی است. او جهت گیری اصلی دینی و هدف اساسی وحی را سامان دهی به جامعه بر اساس قانون عدل ترسیم می کند.

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

از دیدگاه ابن خلدون، فلسفه و کارکرد دولتها در درون جامعه، جلوگیری از تجاوز و ستم و پاسداری از حقوق انسانهاست و دولت به مانند ابزاری مقتدر و زورمند، برای بازداشتن انسانها از پای مال کردن حقوق یکدیگر به کار می افتد و مردمان را به نگهداشت و اعتدال اجتماعی وامی دارد.

عدالت از آن دست مفاهیمی است که برای شناخت آن بایستی مفهوم مخالف آن یعنی ظلم را شناخت. ستم در عرصه عدالت اجتماعی پایمال کردن حقوق و دست اندازی به حقوق دیگران است. بنابر این مفهوم عدالت اجتماعی این است که حقوق افراد رعایت شود، و هر صاحب حقی به حق خود برسد. در اندیشه سیاسی اسلام به برپایی عدالت، تاکید موکد گردیده است به گونه ای که بقا و دوام اسلام، اصلاحات و سازندگی، حیات دین، عزت دین و مسلمین همه در گرو اجرای عدالت است و نیز امیر مومنان در بیان عدالت می فرماید:

العدل رأس الایمان و جماع الاحسان (دادگری سرایمان و گرد آورنده نیکویی است).
اعدل تحکم (داد گر باش تا فرمانده باشی). (هوشمند و همکاران، ۱۳۹۰).

مفهوم و ابعاد عدالت اجتماعی

۱- برابری و مساوات

برابری از مهم ترین ابعاد و بلکه اصلی ترین معنای عدالت است. معنای برابری این است که همه افراد صرف نظر از ملیت، جنس، نژاد و مذهب، در ازای کار انجام شده از حق برابر به منظور استفاده از نعمت های مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار باشند. مبنای برابری این است که: «انسان ها به حسب گوهر و ذات برابرند و از این نظر، دو گونه یا چند گونه آفریده نشده اند». یا به فرمایش رسول اکرم (ص): «الناس كأسنان المشط؛ مردم مثل دانه های شانه هستند». اما آیا برابری ذاتی انسان ها سبب برابری آنها در همه زمینه ها می باشد؟ و آیا تفاوت استعدادها و شایستگی های افراد باعث نابرابری آنها با سایرین نمی شود؟

ارسطو برابری را در لحاظ نمودن افراد در برخورداری از ثروت، قدرت و احترام می داند و معتقد است باید با هر کس مطابق با ویژگی هایش برخورد کرد. از سوی دیگر، عده ای برپایی مساوات عادلانه را در دادن میزان آزادی، معقول می دانند تا میدان برای فعالیت کلیه افراد فراهم گردد:

به موجب این که مقدار فعالیت ها و کوشش ها یکسان نیست، اختلاف و تفاوت به میان می آید: یکی جلو می افتد و یکی عقب می ماند؛ یکی جلوتر می رود و یکی عقب تر... به عبارتی، معنای مساوات این است که هیچ ملاحظه شخصی در کار

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

نباشد. برابری اجتماعی در سه عرصه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نمود می یابد. بسط و توضیح هر یک از این موارد در قسمت های مربوط به عدالت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیان خواهد شد.

۲- قانون مندی

قانون مجموعه مقرراتی است که برای استقرار نظم در جامعه وضع می گردد. کارویژه اصلی قانون، تعیین شیوه های صحیح رفتار اجتماعی است و به اجبار از افراد می خواهد مطابق قانون رفتار کنند. طبق اصول جامعه شناختی، فردی بهنجار تلقی می شود که طبق قوانین جامعه رفتار نماید. زندگی اجتماعی انسان ها دارای قوانین و مقرراتی است که برای امکان پذیر بودن آن زندگی و بهبود آن وضع شده اند، رفتار مطابق آن قوانین، عدالت و تخلف از آنها یا بی تفاوتی در برابر آنها، ظلم است.

۳- اعطای حقوق

منظور از حق، امتیاز و نصیب بالقوه ای است که برای شخص در نظر گرفته شده و بر اساس آن، او اجازه و اختیار ایجاد چیزی را دارد یا آثاری از عمل او رفع شده و یا اولییتی برای او در قبال دیگران در نظر گرفته شده است و به موجب اعتبار این حق برای او، دیگران موظف اند این شئون را محترم بشمارند و آثار تصرف او را بپذیرند. طبق تعریف مذکور، عدالت زمانی تحقق می یابد که به حقوق دیگران احترام گذاشته شود و اجازه و اختیار و یا تصرفی که حق فرد است، به او داده شود و از تجاوز به حقوق فرد پرهیز گردد. حق در معنای ذکر شده به معنای آن چیزی است که باید باشد. چه تا به حال رعایت شده باشد و چه نشده باشد. نه به معنای آن چه هست. هر چیزی در جامعه دارای حق است و تعادل اجتماع هنگامی میسر می گردد که این حقوق مراعات شود؛ برای مثال، یکی از بزرگ ترین حقوقی که افراد بشر دارند، حق تعیین سرنوشت است، حال اگر به دلایلی این حق از انسان سلب گردد به عدالت رفتار نشده است. برای اجرای خوب این بعد از عدالت اجتماعی، کارهایی باید صورت گیرد: نخست، باید حقوق، اولویت ها و آزادی های افراد معین و مشخص شود؛ دوم، جایگاه صحیح این حقوق تعیین گردد و سوم، این حقوق به درستی و از سوی افراد و مراجع ذی صلاح مراعات شود. همه افراد به شناخت حقوق متقابل خود با دیگران ملزم اند. سعادت و کمال هر انسانی در گرو شناخت و مراعات حقوقی است که بر گردن اوست.

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۴- توازن

توازن با توزیع عادلانه ارتباط بسیاری دارد. البته نه تنها به این معنا که امکانات به طور شایسته و صحیح به افراد مستحق برسد، بلکه علاوه بر آن، امکانات به حد لازم و مورد نیاز وجود داشته باشد. هر چیزی که اجتماع لازم دارد، باید به اندازه کافی موجود باشد.

نکته دیگر در بحث توازن، این است که امکانات به نحو صحیح در جامعه تقسیم گردد؛ برای مثال، در جامعه کارهای فراوانی در بخش های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و ... وجود دارد. اولاً: این کارها باید میان افراد تقسیم شود و ثانیاً: تقسیم کار باید به اندازه کافی و ضروری باشد و طبق نیازهای هر بخش، بودجه و نیرو مصرف گردد. عدل به این معنا، سبب دوام و بقا و تأمین عدالت در کل مجموعه می شود، هم چنین از پیدایش شکاف طبقاتی و ایجاد طبقه مرفه و ثروتمند در سویی، و طبقات فقیر و نیازمند در سوی دیگر جلوگیری می کند. توازن، مصلحت کل جامعه را تأمین می کند و به این مسئله توجه دارد که توزیع نقش ها و امکانات، بخشی، مقطعی و محدود نباشد، بلکه همه جانبه بوده و کلیه بخش ها و افراد را در بر گیرد. ابعاد مذکور تصویر روشن تری از عدالت را به ذهن متبادر می سازد و در تعیین سازوکارهای تحقق آن یاری می رساند. در نتیجه گیری از آنچه آمد می توانیم برقراری مساوات، توازن و روحیه اطاعت از قانون در اجتماع، به نحوی که با مراعات حقوق تمامی شهروندان همراه باشد، را به عنوان تعریف عدالت اجتماعی پیشنهاد کنیم (کیخا، ۱۳۸۵).

مفهوم عدالت اجتماعی در اقتصاد اسلامی

اسلام مکتب عدل و اعتدال است و امت اسلامی، امت میانه می باشد؛ قرآن کریم و پیشوایان معصوم اسلام به حفظ حقوق اجتماعی و مساوی بودن تمامی مردم در برابر قانون و نفی تبعیض و استثمار فرمان داده اند. از نظر اسلام، عدالت از جمله چیزهایی است که انسان فطرتاً دوست دارد و دلیل آن، این است که ظالمین برای ظلم خود دست به توجیه می زنند و سعی می کنند کار خود را عادلانه جلوه دهند.

در اسلام، در راستای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی، تمام پستهای حساس می بایست به عهده افراد عادل گذارده شود؛ کسانی که سوء سابقه ای نزد مردم نداشته باشند و به پاکی معروف باشند. و کوتاه سخن آنکه، اسلام اهمیت خاصی به عدالت داده و آن را در تار و پود جامعه و در مسائل حقوقی و اجتماعی و خانوادگی و اقتصادی شرط اساسی دانسته است. اهمیت این امر در احادیث و روایات معصومین نیز بخوبی آشکار است؛ پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «یک ساعت عدالت از هفتاد سال عبادتی که روزهای آن روزه و شبهای آنرا احیا داری بهتر است». امام صادق (ع) نیز می فرماید: «دعای رهبر عادل هر گز رد نمی شود.»

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

امام علی (ع) هنگامی که به حکومت رسید اولین شرط اساسی را در حکومت خود، بر قراری مساوات اقتصادی در توزیع بیت المال اعلام می کند. در اسلام اجرای عدالت نه تنها در باره دوست و در حال طبیعی، بلکه درباره دشمن و در حال جنگ نیز مورد سفارش است. و در قرآن به صراحت اعلام می شود که «ولا یجرمنکم شأن قوم علی الا تعدلوا» (دشمنی با ملتی شما را به بی عدالتی وادار نکند). (هوشمند و همکاران، ۱۳۹۰)

عدالت اجتماعی و اقتصاد مقاومتی

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری با اجرای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی بوجود خواهد آمد. ایشان در عین حال تاکید کردند مهم ترین این شاخص ها عدالت اجتماعی است که در این باره باید گفت که یکی از موضوعاتی که در اقتصاد اسلامی مطرح است موضوع عدالت است و اقتصاد مقاومتی نیز برخاسته از اقتصاد اسلامی است. اگر اقتصاد کشور نتواند عدالت را برقرار کند و به طبقه مستضعف توجه نکند و رفاه اجتماعی را مد نظر نظر قرار ندهد اقتصاد مقاومتی در جامعه شکل نمی گیرد. در حقیقت باید گفت که اقتصاد مقاومتی به دنبال تقویت اقتصاد دولتی نیست؛ بلکه به دنبال تقویت اقتصادی است که با محوریت مردم منجر به تقویت عدالت اجتماعی در جامعه شود. سه حوزه مبارزه با فقر، اشتغال و رفاه عمومی عمده فعالیت نهادهای اجتماعی و اقتصادی است و هدف اصلی در این سه حوزه کاری برقراری عدالت اجتماعی است. توجه به عدالت اجتماعی، یکی از مهم ترین شاخص هاست؛ زیرا در نظام اسلامی، رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی مورد پسند نیست و در هر گونه پیشرفت اقتصادی کشور باید وضعیت طبقات محروم و متوسط جامعه به معنای واقعی کلمه، بهبود یابد. عدالت از این جهت حائز اهمیت استراتژیک است که باعث می شود علاقه و تعهد مردم به دولت و همچنین احساس همبستگی ملی و مقاومت آنان افزایش پیدا کند. اقتصاد مقاومتی، عدالت محور است؛ یعنی تنها به شاخص های اقتصاد سرمایه داری همچون رشد ملی، تولید ناخالص ملی و مانند آن اکتفا نمی کند. معیارهای عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه یکی از معیارهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن بی اعتنایی به شاخص های علمی و عقلانی روز دنیا نیست؛ یعنی به شاخص های منطقی جهانی هم توجه می شود، اما با محوریت «عدالت». در این میان شاید به ذهن برسد که معنای عدالت اجتماعی در اینجا کم کردن فاصله طبقاتی است؛ اما باید تاکید کرد که به نظر نمی رسد منظور از اقتصاد مقاومتی صرفاً کم کردن فاصله طبقاتی باشد؛ زیرا عدالت در معنای خود به مفهوم قرار گرفتن هر چیز در جای خود است یعنی همگان از حداقل زندگی کریمانه برخوردار باشند سپس هر کس به قدر پشتکار، ابتکار و تلاش خود به شرط آنکه در راه مشروع و بدون فساد به کار گرفته شده باشد، از جایگاه در اجتماع برخوردار شود. در واقع اقتصاد مقاومتی اگر بر اساس شاخص هایی که مقام معظم رهبری تعریف کردند، به درستی اجرا شود به دنبال آن عدالت اجتماعی به وجود می آید (فرمایشات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳).

در مجموع می توان گفت:

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

عدالت مهم‌تر از رشد اقتصادی است و خود موجب افزایش ثروت و رشد اقتصادی می‌شود.

عدالت اجتماعی و اقتصادی نه به معنای توزیع فقر، بلکه به معنای تولید و افزایش ثروت همراه با ملاحظات اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

همانگونه که شرح داده شد عدالت اجتماعی یکی از شاخص‌هایی است که می‌توان مشروعیت یک نظام را با آن سنجید و توجه به مردم، عدم تبعیض و رفتار مناسب نسبت به آنان نیز از شاخص‌هایی است که می‌توان با آن عدالت اجتماعی را در زمانی خاص محک زد. عصر پرچالش کنونی که برای جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌ها و دشواری‌های فراوان و ویژه‌ای را نیز به دنبال داشته است، نظام اقتصادی کشور را لاجرم به اتخاذ یک نظام اقتصاد متناسب با این تحولات و چالش‌های خاص، فرا می‌خواند. در واقع حیات نظام اقتصادی کشور در گرو مقاومتی علیه آماج حملات اقتصادی و سیاسی است که علاوه بر کارآمدی در اداره معیشت جامعه، بتواند حضور فعال جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگو و الهام‌بخش در تحولات جهان میسر سازد.

مقام معظم رهبری چهره کامل و اتم اقتصاد مقاومتی را با توجه به اقتصاد اسلامی که در ایران اسلامی وجود دارد مطرح کرده است که می‌خواهد ضمن رشد در مقابل استکبار بایستد. این نکته مهمی است که اقتصاد مقاومتی به معنای اتم و اکمل در ایران اسلامی پایه‌گذاری شد و مبانی تئوریک آن هم براساس فرهنگ اسلام و اقتصاد اسلامی است که با الگوگیری از ولایت و عدالت ناشی از مکتب اقتصادی اسلام طراحی شده است.

اهداف اقتصاد مقاومتی دقیقاً مبتنی بر اهداف اقتصاد اسلامی و مکتب اقتصاد اسلامی است که معنویت، امنیت، پیشرفت، عدالت و ایجاد نظم نوین بین الملل اسلامی جزو این اهداف است. عدالت باعث می‌شود که تعهد مردم به نظام و همچنین مقاومت مردم در یک نظام عادلانه مسلماً افزایش پیدا می‌کند. اگر اقتصاد کشور نتواند عدالت را برقرار کند و به طبقه مستضعف توجه نکند و رفاه اجتماعی را مد نظر قرار ندهد اقتصاد مقاومتی در جامعه شکل نمی‌گیرد. در حقیقت باید گفت که اقتصاد مقاومتی به دنبال تقویت اقتصاد دولتی نیست؛ بلکه به دنبال تقویت اقتصادی است که با محوریت مردم منجر به تقویت عدالت اجتماعی در جامعه شود. امید است که مسئولان کشور با بهره‌گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری زمینه را برای پیشرفت و رشد در کشور و برقراری هر چه بیشتر عدالت اجتماعی فراهم کنند.

منابع

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارآفرینان، ۱۶/۶/۱۳۸۹.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱.

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ۱/۱/۱۳۹۲.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲/۶/۱۳۹۱.

پیغامی، عادل (۱۳۹۱)، ده نکته درباره تحقق اقتصاد مقاومتی، پایگاه حفظ و نشر حضرت آیت الله عظمی خامنه ای.

ریعی، مهناز (۱۳۸۸)، اثر نوآوری و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران، دانش و توسعه، سال ۱۶، شماره ۲۶، ۴۰-۵۶.

رضایی، جواد؛ محمد نادعلی و جواد علی زاده (۱۳۹۰)، بررسی رابطه علی رشد و بهره وری کل عوامل تولید و رشد

اقتصادی (مطالعه موردی بخش بازرگانی)، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، ۱۳۶-۱۱۸.

سالواتوره، دومینیک (۱۳۸۴)، تئوری و مسائل اقتصاد خرد، ترجمه حسن سبحانی، تهران، نشر نی.

سازمان بسیج مستضعفان (۱۳۹۱)، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی.

سیف، اله مراد (۱۳۹۱)، الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، آفاق امنیت، سال ۵، شماره ۱۵، ۲۲-۵.

کیخا، نجمه (۱۳۸۵)، راه تحقق عدالت اجتماعی چیست، شبکه اینترنتی آفتاب.

محمدی مقدم، یوسف، ذوالفقاری، حسین، علی پور، میثم، رسولیان، پریسا (۱۳۹۲)، مدیریت سازمان های دولتی، شماره ۲، ۱۲۰-۱۰۷.

هوشمند، محمود، عصفوری، مهدی، ملکی مریم (۱۳۹۰)، ابزارهای اقتصادی تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی از منظر اسلام (با

تکیه بر اندیشه امیر المومنین (ع)، دانشگاه فردوسی مشهد.

Abstract

At all eras the concept of justice and issues close to this subject has been one of the most important issues considering governmental policy markers, they focused on reaching social and economical justice since Iran Islamic Revolution until now and have payed much expenses to reach this goal. The existence philosophy of coming to existence such a kind of concept, disbalancing the society has been resulted of a few number of peoples gaining great profit and reformists are seeking ways to solve it for reaching justice. It is a few years, that the Revolutions great leader has implied macro country approach in movement for development and justice. Development which could be know as revived recipe of development along with retaining cultural values and favours of the country, is a process in which the society is transfered from one era to new era and changes various life perspectives in each stage of its development. In recent years and with increasing unilateral and westerns in human boycotts against Iran Islamic Republic in order to stop the peaceful nuclear paradigras, the new therm resistive economy is added to Irans economy literature and has been discussed considering the state of our country. In this paper, authers look for determining its role in social justice emphasining geat leader for reaching resistive economy.